

مقدمه :

در مورد آموزش جغرافیا در سطح متوسطه دوازده سؤال در پرستشنامه‌های گنجینه شد. و برای آموزشگاههای متوسطه کشورهای آلمان فدرال، اسپانیا، ایتالیا، اتریش، ایسلند، بریتانیا (به تفکیک اسکاتلند، ایرلند، انگلیس و ویلز)، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، سوئیس، سوئد، فرانسه، فنلاند، قبرس، لوکزامبورگ، مالت، هند و یونان (جمعاً ۲۰ کشور) ارسال گردید.

سئوالات انتخاب شده به صورتی بود که بتواند وضعیت آموزش جغرافیا را در این کشورها مشخص نماید. پاسخ‌های رسیده مورد تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی قرار گرفت و سعی شد تا گروه‌بندی‌هایی به عمل آید تا از پاسخ‌های پراکنده به سئوالات جلوگیری شود. سؤال اول این بود که انواع آموزشگاههای متوسطه را توضیح دهند که چون این مطلب به کل سازمان آموزش متوسطه نمی‌گردد پاسخ‌های رسیده در مورد این سؤال در نتیجه‌گیری حذف گردید.

سؤال دوم: اهداف آموزش جغرافیا در مدارس متوسطه کشور شما چیست؟

در بعضی موارد کشورها بر این نکته تأکید دارند که جغرافیا یکی از اجرای تشکیل دهنده هر نوع آموزشی محسوب می‌گردد. بلژیک از جغرافیا به عنوان پایه، مطالعات اساسی سخن می‌گوید و اسکاتلند آنرا به خاطر تفکر دقیق در امور انسانی، در آموزش عمومی سهم می‌نماید و فرانسه جغرافیا را صاحب سهم در فرهنگ عمومی می‌داند. کشورهای فوق‌الذکر و بعضی کشورهای دیگر جغرافیا را جدین منظور آموزش می‌دهند تا دانش‌آموزان را با مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان به عنوان یک مکتب غیرقابل تفکیک آشنا نماید. فرانسه در مورد آموزش جغرافیا می‌گوید: «آشنا ساختن دانش‌آموزان با علمی که برای شناخت جهان امروز احتیاج ناپذیر می‌باشد... و بلژیک اعلام می‌دارد: «درک جهان به صورت استدلالی» هدف این کشور از آموزش جغرافیا است. انگلستان و ایرلند از جغرافیا به عنوان آشنائی با تمدن‌های جهان استفاده می‌کنند، و پرتغال امیدوار است از طریق آموزش جغرافیا به دانش‌آموزان دیدی کلی بخشد. و ژنو بر این نکته تأکید دارد: «فهم جهان و مسائل آن، آنچنانکه جغرافیدانان آنرا می‌بینند... در بعضی کشورها تأکید ویژه بر این است که اهمیت توسعه اقتصادی و تجارت جهانی از طریق جغرافیا آموخته شود. مدارس بلژرگانی و فنسی طبعاً بر مفهوم اخیرالذکر تأکید دارند ولی در بعضی کشورها مثل ایرلند و نروژ وظیفه جغرافیا همان درک اهمیت توسعه اقتصادی و تجارت جهانی شمرده شده است.

یکی از مفاهیم جغرافیا داشتن دید کلی از جهان و آشنائی به



آموزش جغرافیا در مقطع دبیرستان

مترجم: سیاوش شایان

برنامه ریزی درسی جغرافیا در مقطع متوسطه امری است که باید با دقت و حوصله کافی و نیز با در نظر گرفتن روشها و الگوهای که سایر کشورهای با تجربه در این مورد بکار گرفته‌اند صورت گیرد و از دقت کافی برخوردار باشد زیرا هر گونه تصمیم‌گیری عجولانه باعث صدمات جبران ناپذیر به اهداف و روشهای آموزش جغرافیا و کسب نتیجه مطلوب خواهد شد. به منظور آشنائی با چگونگی آموزش جغرافیا در کشورهای مختلف جهان تا کنون سلسه مقالاتی در نشریه «آموزش جغرافیا» چاپ شده است که ازشان... ادامه خواهد یافت. همچنین برای دریافت چگونگی اهداف و روشهای آموزش جغرافیا در کشورهای مختلف جهان و در مقاطع گوناگون تحصیلی بحث‌هایی لازم به نظر می‌رسد که مقالات چاپ شده در کتاب «آموزش جغرافیا در سطح مدارس» در این رابطه مفید تشخیص داده شد. این کتاب از سوی بخش فرهنگی جامعه اروپا منتشر گردیده است. با امید به آنکه انتشار اینگونه مقالات راهگشای برنامه ریزی درسی جغرافیا در مدارس کشور ما باشد اقدام به ترجمه بخش مربوط به آموزش جغرافیا در مقطع دبیرستان از کتاب مذکور گردید، و بخش مربوط به آموزش جغرافیا در مقطع ابتدائی نیز در شماره‌های آینده چاپ خواهد شد.

مترجم

مسائل آن، آشنا ساختن دانش آموزان با طرق زندگی مردم در سایر سرزمین‌ها است. اگر دانش جغرافیا با حساسیت و دقت آموزش داده شود آنوقت چگونگی زندگی مردم و مسائل آنها به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در فنلاند بر همین اساس به دانش آموزان از طریق آموزش جغرافیا فهم علمی و احترام به سایر ملل آموخته شده و در قدمهای بعدی همکاری بین ملت فنلاند و سایر کشورهای جهان آموزش داده می‌شود.

قبرس امیدوار است تا از طریق آموزش جغرافیا بدرعلاقه به کشور خویش و سایر مردم و سرزمینهایشان را در دل دانش آموزان بپروراند و تفهیم نماید که کشور آنها اگر بخشی از جامعه جهانی شمرده می‌شود، باید با نواحی گوناگون جهان همکاری داشته باشد. اسکاتلند کوشش می‌کند تا با آموزش جغرافیا به دانش آموزان کمک نماید تا افرادی منطقی بوده و در سرزمین خویش و کشور خود و جهان شهروندانی با هوش باشند. در مدارس راهنمایی ایتالیا جغرافیا با تاریخ و علوم اجتماعی همراه است به طوری که آموزش آن دانش آموز را وادار می‌کند تا با احساس مسئولیت به حیات اجتماعی وارد گردد و در وحدتی که مردم تمام جهان در آن شرکت دارند، سهم خود را دریابد. بعضی از کشورها مثل هلند از جغرافیا به عنوان یک احتیاج مبرم برای تشویق همکاری بین مردم اروپا یاد می‌کنند.

طبیعتاً "جغرافیدانان توجه خاصی به اثرات متقابل بین انسان و محیط‌وی دارند. دانمارک در زمینه آموزش جغرافیا اعلام داشته است که: " ادراک عوامل جغرافیای طبیعی که بر زندگی بشر تأثیر می‌گذارد و وابستگی انسان به این عوامل و تأثیر انسان بر این عوامل " از اهداف عمده آموزش جغرافیا در این کشور است. مالت در آموزش جغرافیا این اهداف را دنبال می‌کند: " ارائه تصویری از زندگی بشر و کار در شرایط و عادات مختلف تحت تأثیر عوامل ناهمواری، اقلیم، رویش‌های گیاهی، منفعت بخشی زمین ... و قبرس می‌گوید هدفش از آموزش جغرافیا به دانش آموزان این است تا " به او اجازه داده شود اثرات متقابل بین انسان و محیطش را مشاهده کند ... به نظر می‌رسد که این هدف در همه کشورهای مشترک است و همه کشورهای جنبه‌های مهم آموزش علمی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

فرانسه به صورت مختصر و مفید چنین اعلام داشته است:

" برای درک مسائل جغرافیایی افراد بشر محتاج به مشاهده، تفکر، قضاوت و حافظه می‌باشند و برای آموزش علمی و ریشه‌ای و سریع‌الوصول باید از این روشها استفاده کرد و نتیجه جغرافیایی حاصله جامعه عمل پوشیدن آمال انسانی با بکارگیری آموزش قوی و فهم صحیح مطالب است ... اسکاتلند گرایش ذکر شده در فوق را چنین بیان داشته است:

" گسترش روشهای مشخصی که سودمند می‌باشند و بطالعته

دانش آموزان در زندگی آینده، خویش با استفاده از علم جغرافیا ... ایرلند نیز نقطه نظر فوق را تأیید کرده است و برتغال اعلام می‌نماید که:

" هدف از آموزش جغرافیا توسعه، عادت مشاهده، قضاوت و بکارگیری قوه استدلال در دانش آموزان و القای وظیفه، تحقیق به صورت علمی می‌باشد ...

اغلب کشورهای دیگر نقطه نظرات مشابهی ابراز نموده‌اند.

سؤال سوم: در آموزشگاههای مختلف چند ساعت در هفته در طول سال تحصیلی به آموزش جغرافیا اختصاص داده شده است؟

سؤال چهارم: آموزش جغرافیا چند سال در مدارس شما اجباری است و در جایی که اختیاری می‌باشد چند درصد دانش آموزان مطالعه جغرافیا را انتخاب می‌کنند.

جواب دو سؤال فوق را باید با یکدیگر بررسی کرد، و از این نظر کشورها را می‌توان به این گروهها تقسیم نمود:

الف - کشورهایی که جغرافیا در آنها در تمام دوره متوسطه اجباری است.

ب - کشورهایی که جغرافیا در آنها فقط در کلاسهای پائین تر اجباری است.

ج - کشورهایی که درس جغرافیا در بیشتر طول دوره تحصیل اختیاری می‌باشد.

الف: در اتریش آموختن درس جغرافیا برای تمام دانش آموزان اجباری بوده و تا سال آخر دوره، متوسطه، دو ساعت در هفته تدریس می‌شود و در کلاسهای که این درس با تعلیمات مدنی همراه است، سه ساعت در هفته به این درس اختصاص داده شده است. در فرانسه جغرافیا برای همه اجباری بوده و یک ساعت تا یک و نیم ساعت در هفته تدریس می‌شود. در آلمان فدرال در کلاسهای پنجم تا هشتم ۱ تا ۱/۵ ساعت به جغرافیا اختصاص یافته و در کلاسهای دهم و یازدهم بین ۴۵ دقیقه تا یک و نیم ساعت جغرافیا تدریس می‌شود ولی در مدارس فنی و حرفه‌ای در هفته یک ساعت و نیم جغرافیا تدریس می‌شود. در کلاسهای دوازدهم و سیزدهم جغرافیا با تاریخ و علوم سیاسی ترکیب شده و درسی را به نام " تعلیمات - مدنی " بوجود می‌آورد. بلژیک را می‌توان در این گروه کشورها جای داد زیرا جغرافیا بجز در تعداد کمی از کلاسهای مدارس فنی و حرفه‌ای برای همه اجباری بوده و یک تا دو ساعت در هفته تدریس می‌شود.

نروژ نیز مثل بلژیک است و جغرافیا را فقط در مدارس تابستانی حذف کرده است و در مدرسی که سال تحصیلی عادی خود را ادامه می‌دهند و در دبیرستانهای محلی در هر هفته دو دوره بدان

اختصاص یافته است و در سیکل اول و دوم دبیرستانها در طی هفته دو تا سه بار تدریس می‌گردد .

ب : هشت کشور در این گروه جای می‌گیرند . در قبرس جغرافیا کلا " در هفته دو دوره برای سیکل اول دبیرستان و برای دبیرستانهای تاستانی تدریس می‌شود اما در سطح *Lykeion* فقط با درس اقتصاد همراه است .

در دانمارک ، در سالهای اول و دوم دبیرستانهای عمومی درس جغرافیا در هر هفته یک تا دو بار تدریس می‌شود و درسی اجباری می‌باشد و بعد از آن به مدت دو سال با " مطالعات اجتماعی " همراه شده و در هفته سین ۴ تا ۶ بار تدریس می‌شود . همچنین در بخش *Real* به سه شکل درس جغرافیا اجباری می‌باشد ولی در دوره " *Gymnasium* در سال سوم در کار زبان و در رشته ریاضی فیزیک همراه با ریاضیات تدریس می‌شود .

در ایسلند جغرافیا در سیکل اول دبیرستان هفته‌ای یک ساعت - و نیم تدریس شده و درسی اجباری می‌باشد ولی در سیکل دوم و مرکز تربیت معلم فقط برای سال اول به صورت فوق تدریس می‌گردد . آموزش جغرافیا در سیکل سوم مدارس ابتدائی پرتغال به دو فصل محدود گردیده و در مدارس فنی فقط در سال اول تدریس می‌گردد . در مدارس جدید مقدما تی (سین یازده و دوازده سال) جغرافیا همراه با تاریخ بوده و در هفته سه ساعت تدریس می‌شود ، در حالیکه در سیکل دوم مراکز تربیت معلم ۲ ساعت در هفته به تدریس جغرافیا اختصاص داده شده است .

در سوئیس و لوکزامبورگ در حال حاضر جغرافیا از دروس دو سال آخر دوره " متوسطه حذف شده ولی قبل از آن در سوئیس ۲ ساعت در هفته و در لوکزامبورگ یک ساعت در هفته تدریس می‌شد . در ایتالیا ، در مدارس ابتدائی جغرافیا فقط در دو سال (در - سال اول و پنجم همراه با علوم) تدریس شده و هفته‌ای دو ساعت را به خود اختصاص داده است . تدریس جغرافیا در اسپانیا نیز مثل ایتالیا است .

ج : در برخی کشورها جغرافیا موضوع درسی اجباری چند سال اول تحصیل بوده و سپس به صورت اختیاری دانش آموز آنرا انتخاب می‌کند ، در انگلستان چنین سیستم اعطاف پذیری حکمفرما است . در این کشور در سه سال اول جغرافیا درس اجباری و مدت تدریس آن در هفته یک و نیم تا دو ساعت است . سپس در کلاسهای چهارم و پنجم اختیاری بوده و بین دو تا چهار ساعت در هفته تدریس می‌شود ، البته شایان ذکر است که همیشه بیش از ۵۰٪ دانش آموزان درس جغرافیا را انتخاب می‌نمایند . در سالهای ششم و هفتم حدود ۲۰٪ دانش آموزان آموزشگاه جغرافیا را انتخاب می‌کنند و ۴ تا ۶ ساعت در هفته در کلاسهای آن حضور می‌یابند .

در فنلاند در سیکل دوم دبیرستانها جغرافیا همراه با درس زیست شناسی است و هفته‌ای یکبار تدریس می‌شود .

در هلند جغرافیا به مدت ۲ سال برای تمام دانش آموزان اجباری می‌باشد و وقتی به صورت اختیاری انتخاب می‌گردد هفته‌ای چهار ساعت را به خود اختصاص می‌دهد .

در ایرلند ، در سه سال اول تحصیلات متوسطه جغرافیا درس اجباری است و هفته‌ای ۲ تا ۳ ساعت تدریس می‌شود سپس در سالهای بعد انتخابی شده و هفته‌ای سه تا چهار ساعت را به خود اختصاص داده و حدود ۸۰٪ دانش آموزان آنرا انتخاب می‌نمایند . در مالت نیز سیستمی مشابه اسکلیس برقرار است .

سؤال پنجم : از درس جغرافیائی که برای انواع آموزشگاهها در نظر گرفته شده توضیحی دهید .

صرفنظر از مراکز تربیت معلم و مدارس فنی و حرفه‌ای و دبیرستانهای تاستانی ، تقریباً " همه " کشورها برآموختن جغرافیای وطن دانش آموزان تأکید می‌کنند ، این مطلب گاه توأم با جغرافیای همسایگان می‌باشد و معمولاً " کشورها این کار را در سال اول و دوم انجام می‌دهند و سپس برای مطالعه " جزییات وطن دانش آموز در یکی از سالهای آخر دبیرستان نیز مجدداً " به آن می‌پردازند . مثلاً " در بلژیک آموزش جغرافیای بلژیک ابتداءً در کلاس اول و سپس در کلاس ششم دبیرستان (آخرین سال تحصیل متوسطه) صورت می‌گیرد . هلند نیز چنین کاری می‌کند ولی در سالهای بعدی بیشتر جغرافیا با تأکید بر مسائل اجتماعی همراه است .

در ایسلند مطالعه " جغرافیای ایسلند در مرحله دوم تأکید بیشتری بر مسائل زمین شناسی دارد در حالیکه در آلمان فدرال تدریس جغرافیای آلمان در سالهای اول و پنجم صورت می‌گیرد و در ترکیه آموزش جغرافیای ترکیه در سالهای سوم و ششم صورت می‌پذیرد .

مسئله‌ای که اکنون به نظر می‌رسد و در حال فراگیر شدن است این است که آموزش جغرافیا در اغلب دبیرستانهای متوسطه " کشورها در سال آخر توأم با مسائل عمده " جهانی می‌باشد و یا با درس تاریخ و یا شاید علوم سیاسی و اقتصاد ادغام شده تا امور جاری در داخل و خارج کشور را مورد ارزشیابی قرار دهد و سیعائی کلی از جهان کنونی را به دانش آموزان ارائه نماید .

در بلژیک در سیکل دوم متوسطه دبیرستانها ، در سال ماقبل آخر درس " قدرتهای بزرگ جهان و کشورهای در حال توسعه " به جغرافیای دوران تحصیل اضافه می‌شود و در سال آخر ، بلژیک فقط به عنوان بخشی از جامعه " اقتصادی اروپا مدنظر قرار گرفته و تدریس می‌گردد .

در دانمارک و هلند در سالهای آخر دبیرستان جغرافیا محدود به بحث‌هایی در مورد جریانات و مسائل ملی مثل جمعیت و مسائل

اجتماعی در کشور می باشد. در بعضی کشورها این مطالعات همراه با درس جغرافیای اقتصادی است مثل فرانسه که در سال آخر *Eycee* تمرکز مطالب بر « قدرتهای بزرگ اقتصادی جهان امروز » و « مسائل اقتصادی در مقیاس جهانی » است.

در پرتغال و قبرس و تقریباً تمام مدارس فنی که جغرافیا در آنها تدریس می شود مطالب درسی را جغرافیای اقتصادی تشکیل می دهد. در اتریش در سال آخر متوسطه جغرافیای نجومی با تاریخ و علوم سیاسی ادغام شده است. « اوج آموزش تعلیمات مدنی - همراهی جغرافیا با علوم اقتصادی و ادغام آنان با تاریخ و علوم اجتماعی می باشد ». در آلمان فدرال در طول دو سال آخر تحصیلات متوسطه جغرافیا با تاریخ و تعلیمات اجتماعی توأم شده و درسی به نام *Politischen Kunde* را بوجود می آورد و در بعضی کلاسهای درسی جغرافیای عمومی در رأس مطالب قرار می گیرد که شامل مطالبی از جغرافیای طبیعی و انسانی می باشد. در برخی کشورها که محیط طبیعی در آنها تأثیرات قوی بر زندگی انسانها گذارده است مثل سوئیس، ایسلند و نروژ بیشتر تکیه بر جغرافیای طبیعی است.

بین کشورهای که از مطالب جغرافیای عمومی و بویژه جغرافیای طبیعی و جغرافیای ریاضی آموزش جغرافیا را شروع می کنند نسبت به کشورهای که سعی دارند مطالب جغرافیای عمومی را از طریق مطالعات ناحیه ای آموزش دهند، برتری مشخصی وجود دارد. مطالعه مطالب دشوار جغرافیای عمومی و طبیعی در سالهای اول آموزش متوسطه نشان دهنده برتری سیستم آموزشی این کشورها نیست زیرا که این کشورها ناچار می شوند در آخر تحصیلات متوسطه مجدداً مطالب مذکور را به طور گسترده تری به دانش آموزان تفهیم نمایند ولی این بار احتمالاً بیشتر از طریق قیاس این کار را انجام می دهند نه از طریق روشهای استقرائی.

بلژیک را می توان در شمار گروه اول آورد، زیرا این کشور مطالب جغرافیای عمومی را هم در سال اول و هم در سال آخر مورد بحث و بررسی و آموزش قرار می دهد. فرانسه در سالهای اول و پنجم، ترکیه در سالهای اول و چهارم و لوکزامبورگ در سالهای دوم و پنجم جغرافیای عمومی را تدریس می کنند تا دانش آموزان با قوانین کلی جغرافیا آشنائی پیدا کنند. در سوئیس بعد از تدریس اصول اولیه جغرافیای عمومی در سال اول، در سال ششم جغرافیا را با تأکید بر زمین شناسی تدریس می نمایند. از طرفی دیگر کشورهای هلند، دانمارک و آلمان فدرال تدریس مطالب جغرافیای عمومی را تا وقتی که حدود سه چهارم کل مطالب جغرافیائی آموزش داده نشده به تأخیر می اندازند. کشورهای که در دو دسته بندی فوق قرار نمی گیرند، عبارتند از:

فنلاند که جغرافیای عمومی را در آن بعد از جغرافیای ناحیه ای در مدارس راهنمایی و دورهٔ سیکل اول دبیرستان تدریس می کنند

و دیگر نروژ که برنامهٔ درسی مدارس ابتدائی آن کاملاً سنگین بوده و درین جغرافیا یکی از مطالب جغرافیای طبیعی اشاع شده است.

کشور دیگر ایتالیا است که می توان آنرا به دسته فوق الذکر اضافه نمود. در این کشور در مدارس ابتدائی جغرافیای عمومی به صورت غیر علمی در کلاس سوم تدریس می گردد سپس در سال آخر متوسطه (کلاس هشتم) جنبهٔ کاملاً علمی پیدا می کند.

در بعضی از کشورهای اروپای غربی مطالبی از جغرافیای ناحیه ای و بعد از جغرافیای کشور مربوطه تدریس می گردد و گاهی از کشورهای همسایه نیز سخنانی به میان می آید.

تقریباً در تمامی کشورها، دانش آموزان در طول آموزش متوسطه حداقل با مناظر کلی تمامی قاره های جهان آشنا می شوند و در بعضی کشورها دانش آموزان دوبار قاره ای را که در آن زندگی می کنند مطالعه می نمایند و در سیکل دوم متوسطه از نظر ویژه (مثلاً به عنوان قدرت اقتصادی یا کشور در حال توسعه) کشور خود و یا همسایگان را مطالعه می کند. در کشورهای نظیر ترکیه، فرانسه، بلژیک و برخی کشورهای دیگر سیمای کلی تدریس جغرافیا از طرح فوق تبعیت می نماید.

در انگلستان و ویلز و اسکاتلند رئیس مشخصی برای مطالب وجود ندارد و بین دو مدرسه از نظر مطالب تدریس شده در زمینه جغرافیا آنقدر اختلاف وجود دارد که گوئی اختلاف بین دو کشور اروپائی مورد مطالعه قرار گرفته است.

سؤال ششم: در تدریس جغرافیا در مدرسه شما از چه روشهای عمده آموزشی استفاده می شود؟

اغلب کشورها به طور وضوح بیان کرده اند که بخش اعظم روشهایی که در تدریس جغرافیا مورد استفاده قرار می گیرند از الگوهای سنتی پیروی می نماید. ذکر این مطلب مشخص می کند که معلم در کلاس درس با بیان کردن تمام مطالب متن کتاب درسی نقش اطلاع رسان را بازی می کند نه کسی که با استفاده از روش پرسش و پاسخ و با بهره گیری از وسائل جدیدی مثل عکسها، فیلم، تلویزیون، یادداشت برداشتن و یا ترسیم نقشه های گنگ، مطالب درسی را به طور مستحکم به دانش آموزان القاء کرده و به کلاس درس روح متحرکی می بخشد.

در این مورد پاسخ های رسیده گاه چنین بیان می دارند:

« معمولاً سنای تدریس جغرافیا را کتابی تشکیل می دهد که قبلاً به تصویب رسیده است »، و یا ایسلند اعلام می دارد که: « روش بسیار متداول استفاده از متن کتاب به عنوان شاخص است. با این کار می توان امیدوار بود که دانش آموز به صورت بی طرفانه ای دانش جغرافیا را به طور فراگیر می آموزد و رئیس مطالب مورد نیاز را می آموزد ». « فرانس می گوید:

« جغرافیا طبیعتاً با ارائه مواد جدید در کلاس توسط معلم آموزش داده می‌شود و روش استاندارد آن است که معلم مواد درسی تصویب شده را به دانش‌آموزان ارائه می‌نماید... و هلند تصدیق می‌کند که: « آموزش سنتی کلاسی هنوز رواج دارد و روشهای جدید ناشناخته مانده‌اند... بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که طرح کلی آموزش جغرافیا آنچنانکه سنتی است بر جای نماند ولی فقط در متن ارائه شده به دانش‌آموزان اصلاحاتی صورت پذیرد. بعضی کشورها قویاً بر این نکته یافشاری می‌کنند که روشهای جدید را باید از طریق تجربه حاصل نمود و اینکه نیل به این روشها باید از توسعه مشاهدات به هم پیوسته به منظور استنتاج و عمومیت بخشیدن بدانها باشد یعنی ابتدا با مشاهده جزئیات استنتاج صورت گیرد (استقراء) و سپس به آنها عمومیت داده شود. اسپانیا در این زمینه می‌گوید:

« دانش‌آموز با درک مفهوم ناحیه و پدیده‌های محلی به فهم جغرافیای عمومی نایل می‌آید... و بلژیک تصدیق می‌کند که « تسلسل علمی باید از طریق تحقیق، تجزیه و تحلیل، تعریف، تألیف و سپس عمومیت بخشیدن به کل ایده‌ها مدنظر قرار گیرد... فرانسه این مطلب را چنین توضیح می‌دهد:

« معلم همیشه سعی خواهد کرد تا از به هم پیوستن مطالب (تألیف) به سوی تجزیه و تحلیل مطالب پیش‌رود (استقراء)، برای توضیح چمن خوردگیها چرا باید شکل دریا و نحوه رسوبگذاری در آن را روی نخته سیاه کنید؟ شما باید از کلاس درس خارج شوید و به کوهها نگاه کنید و مفهوم کوه را به دانش‌آموزان توضیح دهید و بعد چگونگی چمن خوردن آنها را بیان کنید. دانش‌آموزان را وادار کنید تا به دقت به اطراف خود بنگرند. اگر در بعضی مناطق کوه وجود ندارد بجای آن از عکسها و فیلمها استفاده کنید تا دانش‌آموزان به طور محسوس‌تری مطالب را فراگیرند... بنابراین اظهارات مشخص می‌شود که فرانسه معتقد است بیشتر مطالب را می‌توان به طور دست اول و از طریق مشاهده فرا گرفت. البته مشکل است بتوان گفت که از این روش آموزشی به چه میزان استفاده می‌شود و چقدر از آموزش برجستگانه استوار شده است (در مورد مدارس ابتدایی نیز چنین ابهامی وجود دارد).

اغلب کشورها تصدیق می‌کنند که علاقه به مشاهده و فراهم آوردن امکانات لازم برای اجرای آن در حال افزایش است. در سوئیس گردشهای علمی صورت می‌گیرد و به هر کجا که امکان پذیر باشد و نیز در این کشور سمینارهای مطالعاتی برگزار می‌گردد بدین صورت که وقتی معلم جغرافیا دانش‌آموزان را برای بازدید از یک دهکده سوئیس فرانسوی زبان با خود همراه می‌برد یک معلم زبان فرانسه نیز در این گردش علمی حضور دارد و یا وقتی مورفولوژی یخچالها و اجتماعات گیاهی آلپ مد نظر بازدید کنندگان علمی قرار می‌گیرد معلم زیست‌شناسی نیز در معیت

دانش‌آموزان و معلم جغرافیاست.

در بلژیک « در سال اول یکی دو گردش علمی پیشنهاد می‌گردد و در سال آخر یک گردش علمی منطقه‌ای جغرافیایی یا مورفولوژیکی قویاً توصیه می‌شود. در ایرلند رئیس مطلب در کارهای علمی صحرایی آموزش داده می‌شود و علاوه بر آن روشها و کلاسهای سنتی نیز وجود دارد. در بعضی کشورها مثل فرانسه، دانمارک و آلمان فدرال مدارس صحرایی وجود دارد. در انگلیس توسعه مراکز عملیات صحرایی که دانش‌آموزان می‌توانند یک دوره کوتاه مدت را در طول سال تحصیلی و یا تعطیلات مدرسه در آن سربرند و مطالعات صحرایی محیطی انجام دهند به سرعت رو به افزایش است و این کار با این عامل که باید ثمره مشاهدات و عملیات صحرایی در نمرات امتحانی درس جغرافیا تأثیر داده شود تشویق می‌گردد. البته اشکالاتی نیز در اجرای طرح مذکور وجود دارد.

ترکیه اظهار داشته که: « کلاسهای درسی ما هنوز به اندازه‌ای وسعت دارند که وظیفه عملیات صحرایی را به دوش بکشند... ایسلند با تأسف اظهار داشته که: « اغلب دانش‌آموزان ما در طول تعطیلات دراز مدت ناستان در حال کار مفیدند و در رستوران شرایط جوی و تاریکی هوا فرصت استفاده معقول از کارهای صحرایی را به آنها نمی‌دهد. احتمالاً هنوز برای معلمانی که عملیات صحرایی را روش ایده‌آل آموزش جغرافیا می‌دانند شرایط مطلوب فراهم نیست.

قبرس اظهار داشته که: « اخیراً به نظر می‌رسد که عملیات صحرایی باید بخش حیاتی درس جغرافیا به شمار آید... هنوز به نظر می‌رسد یا حدس زده می‌شود!

در این مورد که دانش‌آموزان خود کار فردی انجام دهند تشویق زیادی به عمل می‌آید و توجه روزافزونی به این مسئله شده است. برای نیل به این مقصود دانش‌آموزان تکالیف «ویا پروژه‌ها» ی فردی و یا گروهی انتخاب می‌نمایند و مواد لازم برای مطالعه را از کتابخانه‌ها، متن کتابهای درسی، و یا از صحرا جمع‌آوری می‌کنند و سپس کار خود را ارائه می‌نمایند.

قبرس گزارش می‌دهد که: « دانش‌آموزان می‌توانند در مورد مواد مختلف درسی تکالیفی را برعهده گرفته و نتیجه آنرا با معلمین خویش به بحث و گفتگو بگذارند...

فنلاند پاسخ می‌دهد که: « کار مستقل بوسیله دانش‌آموزان روشی است که در حال حاضر از آن استفاده می‌شود... دانش‌آموز باید قوه تفکر و استدلال خویش را بکار گیرد، نتیجه‌گیری کند و یاد بگیرد که مستقلاً فکر علمی داشته باشد... انگلیس بر استفاده از کتابهای مرجع تأکید می‌ورزد و همراه با آن استفاده از روزنامه‌ها و مجلات را نیز توصیه می‌کند در حالیکه اسکاتلند می‌گوید که: چنین منابع اطلاعاتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. سوئیس نیز بر کار مستقل و فردی دانش‌آموزان تأکید

می‌ورزد، و فرانسه این کار را در سیکل دوم دبیرستان انجام می‌دهد و این زمانی است که لازم است « از صحبت لاینقطع معلم جلوگیری شود و دانش‌آموزان از برداشتن یادداشتهای کسل‌کننده که هیچگاه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند دست بردارند ». در سیکل اول دبیرستانهای فرانسه « تأکید بر تربیت شهروندانی خوب و علاقمند و آشنا ساختن دانش‌آموزان با اطلاعات عمومی و پایه می‌باشد ».

تدریس نقشه خوانی توپوگرافی و نوشتن مطالب مورد نظر بر روی نقشه‌های گنگ در فرانسه مورد تأکید قرار گرفته و در سایر کشورهای جهان نیز انعکاس یافته است. مالت اظهار می‌دارد که : « استفاده از نقشه (همراه با اطلاعات آماری ، نمودارها ، دیاکرامها و سایر نقشه‌های کمکی) در رعوس مطالب جغرافیایی مدارس گنجانده شده است .

در انگلیس دانش‌آموزان برای امتحانات نهایی خود بر روی نقشه‌های بزرگ مقیاس از جهان کار می‌کنند و مطالبی را از این نقشه‌ها بیرون می‌کشند . براساس همین مطلب معلمین وادار شده‌اند تا در زمینه نقشه‌خوانی و کار بر روی نقشه به دانش‌آموزان خود آموزشهای لازم را بدهند . تنها توجهی که اسکاتلند به این مطلب کرده ، آن است که « مهارت در نقشه‌خوانی را باید در جهت استفاده از نقشه برای مطالعه کامل مطالب جغرافیایی سوق داد » .

در مورد این سؤال که در « مطالعه نمونه ویژه » چه کاری انجام می‌دهید پاسخ‌های کمی رسیده است . کمی پاسخ‌های رسیده این عقیده را تقویت می‌کند که معلمان شیوه‌های سنتی را برای رسیدن از خاص به عام بکار می‌برند بدون آنکه به پرداختن به ویژگیهای خاص احتیاجی احساس کنند . در یاره‌ای از نقاط انگلیس چنین عقیده‌ای وجود دارد و احتمالاً « رویه افزایش نیز هست .

سؤال هفتم : از چه وسائل کمک آموزشی در مدارس شما استفاده می‌شود ؟

به نظر می‌رسد که در حال حاضر اغلب کشورها مجموعه مناسبی از عکسها یا تصاویر دیواری فراهم کرده‌اند و یا مدارس خود را با بروژکتورهای نمایش فیلم و اسلاید و دستگاه نمایش صفحات ترانس پرنس تجهیز نموده‌اند .

بویژه در زمینه فوق باید بلژیک را خوشبخت دانست . در هر مدرسه این کشور بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ صفحه ترانس پرنس و تصویر دیواری وجود دارد . فرانسه مجموعه بسیار جالبی از عکسهای رنگی دارد ، و از طرفی قیرس و ترکیه اظهار می‌دارند که آنها نیز مجموعه‌های ناقصی فراهم کرده‌اند .

اغلب کشورها با تعدادی نقشه دیواری یا نقشه‌های توپوگرافی بزرگ مقیاس مدارس خود را کمک می‌کنند ولی به نظر می‌رسد که به

نیازهای دیگر توجهی ندارند . هلند اعلام کرد ، که برای هر مدرسه حدود ۴۰ نقشه فراهم کرده است . قبرس نیز در ابتدای راه دراز تجهیز مناسب مدارس خویش است و این احتیاجات را از یونان و یا ترکیه باید فراهم کند .

در دانمارک ، فرانسه ، بلژیک و انگلیس و سایر جاها نقشه‌های توپوگرافی به خوبی فراهم شده‌اند ولی در بعضی کشورها مثل ترکیه در این زمینه کمبود وجود داشته است .

در صورتی که دانش‌آموزان به درس جغرافیا علاقمند گردند و مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند و توجه روزافزونی به مطالب جغرافیایی پیدا کنند آنوقت علاوه بر کتابهای درسی خوب احتیاج شدیدی به مواد مرجع احساس خواهد شد . بعضی کشورها شروع کرده‌اند تا چنین موادی مثل آمارها ، مونوگرافی‌ها ، کتابهای ویژه مرجع و غیره را برای مدارس خود فراهم نمایند . تروژگزارش می‌دهد که کتابهای سال برای مدارس فراهم شده است و مدارس انگلیس نیز مشغول احداث کتابخانه‌های بزرگ و مناسبی هستند که تعداد زیادی روزنامه و مجلات را بتوانند در خود جای دهند .

دانمارک و آلمان فدرال مشغول جمع‌آوری آمار می‌باشند و فرانسه همیشه به کتابهای « مدارک فرانسوی » اهمیت خاص می‌دهد .

احداث کتابخانه‌های مواد مرجع درسی احتمالاً هنوز مراحل اولیه خود را می‌گذراند ولی در این امر پیشرفت‌هایی حاصل خواهد شد .

سؤال هشتم : آیا در هر آموزشگاه یک « کلاس جغرافیا » وجود دارد ؟

از آنجا که پاسخ‌های رسیده به این سؤال بسیار متفاوت است بهتر است در این زمینه کشورها را به سه گروه تقسیم کنیم :

الف - کشورهایی که در آنها در تمام و یا تقریباً تمام آموزشگاهها کلاس ویژه درس جغرافیا وجود دارد .

ب - کشورهایی که در تعداد کمی از آموزشگاههایشان کلاس جغرافیا دارند .

ج - کشورهایی که بین دو دسته فوق قرار می‌گیرند .

لازم به تذکر است که این تقسیم بندی بسیار کلی است ولی از آن مطالبی مستفاد می‌گردد .

گروه الف : پاسخ‌های رسیده از دانمارک حاکی از آن است که تمامی مدارس دوره *Gymnasia* دارای کلاس ویژه درس جغرافیا می‌باشند در مورد سایر مدارس توضیحی داده نشده ولی به طور غیر مشخصی می‌توان دانمارک را در این گروه جای داد .

در انگلیس و بلژیک تمام مدارس متوسطه جدید دارای حداقل یک کلاس ویژه درس جغرافیا می‌باشند و اغلب مدارس قدیمی نیز تجهیز شده‌اند . در اسکاتلند نیز چنین وضعی حکمفرماست با این

تفاوت که تعداد مدارس قدیمی که دارای وضعیت مشابه می باشند زیادتر است .

در سوئیس هر مدرسه که جغرافیا در آن جزء دروس اصلی است دارای کلاس جغرافیای مجهزی نیز می باشد . این کلاسها مجهز به آپارات نمایش فیلم و سایر تجهیزات لازم است ، و همچنین مدارس بین المللی در این کشور دارای کلاسهای مجهز ویژه در جغرافیا می باشند .

گروه پ : در قبرس فقط سه مدرسه کلاس ویژه در جغرافیا داشته اند ، حال آنکه در اسلند وجود چنین کلاسهایی استثنائی بشمار می آید و فقط مرکز تربیت معلم مستقر در ریکیاویک دارای یک کلاس ویژه برای تمام موضوعات علوم طبیعی و جغرافیا است . در نروژ فقط تعداد کمی از آموزشگاههای نوساز دارای کلاس خاص در جغرافیا می باشند و در ترکیه فقط تعداد کمی از مؤسسات دارای کلاس جغرافیای مجهز می باشند و در ایتالیا فقط در *Lycees Scientifiques* می توان کلاسی را یافت که به آموزش جغرافیا اختصاص داده شده است . آلمان فدرال را باید در یک دسته خاص قرار داد ، در این کشور ، کلاس ویژه برای درس جغرافیا وجود ندارد . اسپانیا نیز احتمالاً در این گروه جای می گیرد .

گروه ج : در مقام بنیاس دو گروه قسلی اتریش قرار می گیرد که در این کشور تعداد زیادی از مدارس متوسطه دارای کلاس خاصی برای جغرافیا هستند و این کلاسها به خوبی مجهز می باشند . اما توضیح داده شده که این کلاسها با ازدحام دانش آموزان روبرو هستند . در بعضی مدارس این کشور بویژه در نواحی روستائی کلاسهایی وجود دارد که برای تدریس چند درس منجمله جغرافیا از آنها استفاده می شود .

در بلژیک اغلب مدارس متوسطه کلاس ویژه جغرافیا دارند ولی جغرافیا در این کلاسها با تاریخ و با علوم شریک است . لوکزامبورگ را نمی توان در گروه مشخصی جای داد ، مؤسسات مختلف تقریباً دارای یک کلاس جغرافیا هستند . در فنلاند مدارس بزرگتر دارای کلاس خاص جغرافیا هستند در حالیکه در مدارس کوچکتر جغرافیا با ریست شناسی در یک کلاس شریک می باشد . در فرانسه در جایی که امکانات وجود داشته باشد کلاس برای دو معلم وجود دارد . اما باید این نکته را در نظر داشت که در این کشور معلم جغرافیا ، تاریخ نیز تدریس می کند .

در هلند تمامی آموزشگاههای پیش دانشگاهی و مراکز تربیت معلم کلاس ویژه جغرافیا دارند ولی هیچکدام از مدارس متوسطه یا فنی و حرفه ای چنین کلاسی ندارند . پرتغال گزارش می دهد که : " وجود کلاس ویژه جغرافیا عمومیت ندارد اما تعداد قابل توجهی مؤسسات هستند که دارای چنین کلاسی اند ، بویژه مدارس گرامر که از آنها معلمین آینده بیرون خواهند آمد . . و در

ایرلند تمام مدارس جدید و بعضی مدارس قدیمی نسبتاً "مجهزند .

سؤال نهم : الف - آیا در مدارس شما جغرافیای ناحیه ای تدریس می شود یا جغرافیای عمومی ؟

ب - آیا رشته های مختلف جغرافیای عمومی جداگانه

تدریس می شوند ؟ آیا در یک رشته خاص تأکیدی وجود دارد ؟

تمامی کشورها اصرار می ورزند که جغرافیا باید هم شامل جغرافیای ناحیه ای باشد و هم جغرافیای عمومی . در حقیقت اغلب کشورها منقذ القولند که این سؤال غلط مطرح شده و سؤال درستی نیست . در مورد اینکه چه نوع جغرافیای عمومی در کشورهای مختلف تدریس می شود مشکل بتوان پاسخ واضحی داد ولی می توان گفت که بهتر است بین کشورهایی که تدریس جغرافیا را با استفاده از جغرافیای عمومی شروع می کنند و کشورهایی که جغرافیای عمومی را بعداً از جغرافیای ناحیه ای استنتاج می نمایند تمایزی قائل شویم .

کلا " می توان گفت که استنتاج مطالب جغرافیای عمومی از جغرافیای ناحیه ای مورد توجه بیشتری است . سر فصل دروس جغرافیا در کشورهای اتریش ، هلند ، پرتغال و آلمان فدرال نشان دهنده استفاده از این روش می باشد . و در نروژ و سوئیس جغرافیای عمومی (عمدتاً "طبیعی) به عنوان پایه در جغرافیا تدریس می گردد .

ج - آیا به اهمیت جغرافیائی سازمانهای بین المللی در درس جغرافیا توجهی می شود ؟

د - آیا به مسائل انسانی که جنبه های ملی یا بین المللی دارند توجه می شود ؟

شاید کلمات مربوطه بخش ج از سؤال نهم درست تنظیم نشده باشند و به نظر می رسد این سؤال به طور محدود به فعالیتهای اداری سازمانهای مختلف مربوط می گردد . چیزی که مهم است این است که این سازمانها در فهم درس جغرافیا و تغییر در روش تدریس آن چه اثراتی می گذارند . بنابراین سؤال مربوطه به فعالیتهای اداری سازمانهای بین المللی ارتباطی ندارد . به هر حال با ادغام سؤالات ج و د (که در بعضی پاسخها این کار صورت گرفته) ، می توان مطالب معقولی یافت .

اغلب کشورها اعلام داشته اند که در برنامه درسی بعضی از دوره های تحصیلی در مورد سازمانهای بین المللی مباحثی گنجانیده شده است . در بعضی موارد مثل کشور بلژیک ، هلند ، لوکزامبورگ و دانمارک در مورد اتحادیه ها و سازمانهای بین المللی در درس جغرافیا مطالب وسیعی به دانش آموزان آموزش داده می شود و در بعضی کشورها مثل فرانسه و قبرس مطالب مذکور در درس تعلیمات مدنی گنجانیده شده است .

ایسلند با برنامه سنگینی که درباره جغرافیای طبیعی دارد اعلام داشته که به سازمانهای بین المللی توجه کافی مبذول نشده و نروژ نیز مثل ایسلند اعلام کرده که « تا همین اواخر در درس جغرافیا به سازمانهای بین المللی توجهی نشده بود ». ولی در ادامه گزارش اعلام نموده که این وضعیت در حال تغییر است و مسائل انسانی و ویژگیهای سازمانهای بین المللی در رتوس مطالب درسی جغرافیا قرار گرفته اند و روز به روز اهمیت بیشتری پیدای می کنند. در مدارس بین المللی در سطح اروپا طبیعتاً توجه به سازمانهای بین المللی مد نظر جغرافیدانان قرار داشته است.

سؤال دهم: الف - معلمان درس جغرافیا در مدارس متوسطه چه آموزشهایی دیده اند؟

در بخش آموزش جغرافیا در مدارس ابتدائی آموزشی را که معلمان کلاسهای بالا برای سنین ۱۱ تا ۱۶ سال دیده اند ذکر کرده ایم. مطالب بخش مذکور در مورد مدارس تالیستانی و مدارس محلی در نروژ و برای تعدادی از مدارس متوسطه کشورهای دیگر نظیر انگلیس و دانمارک صدق می کند.

در مورد سایر کشورها، امر رایج آن است که معلمان جغرافیای متوسطه بین ۳ تا ۶ سال تحصیلات دانشگاهی در مورد جغرافیا را پشت سر گذاشته اند. مسلم است که این تحصیلات پس از اتمام آموزش رسمی متوسطه و یا مرکز تربیت معلم صورت گرفته است. حالت مذکور برای کشورهای مثل اتریش، اسکاتلند، فرانسه و هلند صدق می کند ولی در بعضی موارد مثل کشورهای آلمان فدرال و لوکزامبورگ تحصیلات معلمان جغرافیا بیشتر طول کشیده و ۲ سال نیز آموزش رسمی دیده اند و در پرتغال بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی بین ۱ تا ۲ سال معلمان آموزش خاص را پشت سر گذاشته اند.

در برخی کشورها معلم جغرافیا فارغ التحصیل دانشگاه هست ولی در رشته جغرافیا الزامی نیست. مثلاً "در قبرس و در دانشگاههای یونان رشته جغرافیا وجود ندارد و معلم جغرافیا ممکن است فارغ التحصیل علوم و یا اقتصاد باشد مگر آنکه جغرافیا را در دانشگاههای ترکیه و یا حائی خارج از یونان خوانده باشد. در ایسلند نیز وضعیت مشابهی حکمفرماست. در این کشور رشته جغرافیا در دانشگاه ریکیاویک وجود دارد و در اسپانیا درس جغرافیا را کسی تدریس می کند که فارغ التحصیل رشته علوم اجتماعی است زیرا دانشکده جغرافیا فقط در زارباگوزا وجود دارد.^۳

در فنلاند که جغرافیا معمولاً با زیست شناسی همراه است گاه زیست شناس آنرا تدریس می کند. در بعضی کشورها نیز معلم جغرافیا بعد از تحصیلات دبیرستانی مدارجی را طی می کند (مثل آموزش تالیستانی در زمینه جغرافیا)، ولی این آموزشها رسمی و پیگیر نیستند و از پاسخهای رسیده نیز نمی توان در مورد چگونگی و کارائی آنها اطلاعات لازم را بدست آورد.

در انگلستان و ویلز تحصیلات رسمی دانشگاهی در زمینه جغرافیا الزامی نیست ولی قدمتهائی برداشته شده تا تدریس جغرافیا را فقط متخصصین جغرافیا و فارغ التحصیلان این رشته انجام دهند. در نروژ، دانمارک و بلژیک نیز داشتن تحصیلات در رشته جغرافیا شرط الزامی تدریس این درس نمی باشد.

ب - آیا در زمینه جغرافیا کلاسهای بازآموزی و آموزش ضمن خدمت وجود دارد؟

در هیچیک از کشورها سیستم اجباری و منظمی برای بازآموزی معلمان جغرافیا وجود ندارد. در بلژیک مشاوره با معلمین و رفع اشکالات علمی آنان جزء وظایف کارشناس است؛ کارشناس دبیران جغرافیای حوزه مسئولیت خویش را به طور دوره ای ملاقات کرده و مشاوره لازم را انجام داده، اطلاعات اساسی را در مورد رتوس مطالب، روشهای تدریس با آنها انجام می دهد. در بعضی کشورها بوسیله مقامات محلی و یا دولتی دوره های کوتاه مدت بازآموزی برای داوطلبان تشکیل می شود، گاهی تشکیل این کلاسها با همت انجمن دبیران خبره جغرافیا و یا انجمنهای جغرافیائی صورت می پذیرد، مثلاً "در نروژ، فنلاند و سوئیس این وظیفه را اتحادیه دبیران بر عهده دارد. هلند اعلام داشته که تشکیل کلاسهای آموزش ضمن خدمت در این کشور آغاز شده ولی اضافه می نماید که مدتها وظیفه بازآموزی را انجمن جغرافیائی بر عهده داشته است.

در اتریش و انگلستان دروس بازآموزی را دولتست بوسیله دانشگاهها و انجمنهای جغرافیائی تشکیل می دهد. در سایر کشورها نیز وضع به همین منوال است و مشکل اساسی تأمین بودجه و وسائل مورد نیاز برای این کلاسها می باشد. کشور فرانسه وضعیت خویش را به صورت مختصر و مفید چنین اعلام کرده است:

"تشکیل کلاسهای بازآموزی امری اساسی است ولی تشکیل این کلاسها کم اتفاق می افتد ."

باید اضافه شود که در ایسلند و بعضی شهرستانهای سوئیس در زمانی که منطبق بر فرصت مطالعاتی^۴ دبیران است کلاسهای بازآموزی تشکیل می شود. مدت فرصت مطالعاتی در ایسلند بعد از ده سال خدمت، یکسال و در زوریخ بعد از ۱۲ سال خدمت ۶ ماه می باشد. این فرصت مطالعاتی بویژه برای جغرافیدانان ارزشمند است.

سؤال یازدهم: آیا در کشور شما برای کاهش و یا حذف زمان اختصاص یافته به جغرافیا به عنوان یک موضوع درسی تأیلاتی وجود دارد؟

سؤال دوازدهم: وضعیت کنونی جغرافیا در مدارس کشور شما چگونه است؟

بسته به اینکه دولتها چه طرز تلقی از جغرافیا دارند، و چه ارزشی برای آن قائلند، امکانات فراهم شده برای آموزش جغرافیا نیز تغییر می‌کند. بنابراین دو سؤال فوق را در حقیقت باید یک سؤال به حساب آورد.

در ابتدا بعضی از کشورها قرار می‌گیرند که در آنها بر حسب موضوع تخصصی شان، جغرافیدانان موقعیتی خاص یافته‌اند و یا عمیقاً رنجیده شده‌اند، بلژیک در این دسته اخیر قرار می‌گیرد. بیم آن می‌رود که با گذشت زمانی کم موقعیت جغرافیدانان در سیستم آموزشی این کشور به حداقل مطلق خویش برسد، جغرافیا در این کشور «کلا» اهمیت دست دوم دارد شاید حتی کمترین اهمیت را در ترم تحصیلی و از لحاظ واحد درسی دارد. ولی «مثلاً» به تاریخ دو برابر جغرافیا از لحاظ زمان تحصیل و نمرات واحدهای درسی اهمیت داده می‌شود. جغرافیا در این کشور فقط منحصر به شناخت قاره اروپا و آشنائی با کلتی از جهان خلاصه شده است. در ترم وضع جغرافیا از این هم بدتر است و بیم آن می‌رود که گسترش مطالعات اجتماعی به فرعی شدن جغرافیا به عنوان بخشی از تاریخ منجر گردد.

«جغرافیا در مدارس متوسطه روز هیچگاه به مکان ویژه خویش باطل نشده است.»

نیازها نیز بر جغرافیا در این کشور تحمیل شده و معلمین هنوز نتوانسته‌اند خود را با این نیازها منطبق سازند، هیچ موضوع درسی دیگری در دبیرستانهای متوسطه روز مثل جغرافیا توسط معلمان ناهمگون تدریس نشده است.

ولی ادامه گزارش افق‌های امیدوار کننده‌ای را از آینده به دست می‌دهند. ایسلند نیز گزارش تأسف باری از وضعیت کنونی جغرافیا در این کشور ارسال داشته و اعلام نموده که زمان اختصاص داده شده به جغرافیا به حداقل ممکن خود رسیده است ولی طرحهایی برای گسترش ساعات درسی وجود دارد. این گزارشات نشان دهنده آن است که موقعیت کلی جغرافیا در دبیرستانهای متوسطه ایسلند قابل مقایسه با موقعیت جغرافیا در آلمان فدرال و سوئیس نیست. از طرف دیگر در بعضی کشورها جغرافیا دوره شکوفائی خود را آغاز کرده و در نظام آموزشی این کشورها تأثیر فراوان گذاشته است.

در پرتغال اخیراً «جغرافیا اینگونه مطرح شده است:

«جغرافیا به دلیل تربیت روشنگرانه و محتوای علمی خویش در برنامه درسی مدارس متوسطه موقعیتی غیر قابل انکار دارد.»
ارتیض اعلام داشته که: «کاهش ساعات درس جغرافیا و یا حذف آن از برنامه درسی امری بعید است. جغرافیا اخیراً تکلیفی قابل توجه خورده و هم در برنامه درسی و هم در نظر عموم مردم برتری چشمگیری یافته است و سهم بزرگی از مطالعه مسائل سیاسی و اقتصادی در سال آخر متوسطه برعهده جغرافیا گذاشته شده است.»

ترکیه به طور مختصر اعلام نموده که: «آموزش جغرافیا در فرهنگ عمومی مکان ارزشمندی دارد و در حال حاضر در مؤسسات آموزشی کشور ما مکان ویژه و ارزنده‌ای را به خود اختصاص داده است.»

در حالیکه «در مدارس فنی و حرفه‌ای ایتالیا روز به روز بر اهمیت جغرافیا افزوده می‌شود»، در انگلستان و ایرلند جغرافیا بدون شک موضوع عمومی در مدارس متوسطه است و در جاهایی که جغرافیا درس انتخابی است به طور گسترده‌ای با استقبال مواجه شده و برای امتحان انتخاب می‌گردد.

در سایر کشورها نیز با توجه به تغییرات قابل ملاحظه در سیستم آموزشی و سازمانها، موقعیت جغرافیا رضایت‌بخش و پویا می‌باشد مثلاً در هلند بر اساس قانون جدید آموزشی کشور جغرافیا بجای سه دوره در هفته دو دوره تدریس می‌شود. اما همین درس در دوره «Athenum» بجای پنج سال، شش سال تدریس می‌شود و در کلاسهای بالاتر جغرافیا به عنوان یک موضوع انتخابی مورد استقبال قرار گرفته و عده زیادی آنرا انتخاب می‌کنند در حقیقت: «دلیلی بر تزلزل موقعیت جغرافیا وجود ندارد.»

به نظر می‌رسد در آلمان فدرال در مورد کاهش و یا به حداقل رسانیدن زمان اختصاص یافته به جغرافیا حرفی در بی نیست ولی بعضی معلمان جغرافیا قدری نگرانند زیرا تدریس درس «تعلیمات مدنی» در سالهای آخر دوره متوسطه بیشتر بر عهده معلمان تاریخ و مورخین گذارده شده تا جغرافیدانان. در این مورد چنین استدلال می‌شود که معلمان جغرافیا از دانشکده علوم فارغ‌التحصیل شده‌اند.

دانمارک نیز می‌گوید: «حالا خیلی زود است تا در مورد نتایجی که نظام آموزشی جدید بدست خواهد داد حکم کنیم.» اما شاید حرف آخر را در این زمینه فرانسه زده باشد: «این سنگی به توانائی معلمش دارد.»

یادداشتها

1- Documentation Francaise.

- ۲- در شماره آینده مجله آموزش جغرافیا چاپ خواهد شد.
- ۳- در دانشگاه مادرید نیز گروه جغرافیا سرگرم فعالیت می‌باشد.
- ۴- فرصت مطالعاتی دبیران در سوئیس معمولاً «در هر ۶ یا ۷ سال یکبار است که در طی این فرصت که معمولاً یک سال و یا کمتر به طول می‌انجامد دبیر تدریس نمی‌کند و اوقات خود را به مطالعه، مسافرت و استراحت و یا شرکت در انجمنها و کلاسهای بازآموزی می‌گذراند.

